

عنوان مقاله: توسعه سخت افزارانه

نویسنده: پرویز پیران

منبع: چشم انداز ایران آبان و آذر ۱۳۸۹ شماره ۶۴

صص ۱۳۳-۱۳۵



نیکوس کازانتزاکیس

● پاییز سال ۱۳۶۷ بود سه ماهی می شد که بیشتر وقتم ر خانه می گذشت. در اتاقم از بام تا شام می خواندم و گاه و بی گاه برای بایگانی کردن می نوشتم تصور قطعی ام این بود که برای همیشه از خانه دو موم و معلمی رانده شده ام و خانه نشین گشته ام در یکی از روز های آن پاییز وقتی که برای چندمین بار «زوربای یونانی» اثر ماندگار نیکوس کازانتزاکیس را می خواندم زنگ تلفن رشته افکارم را پاره کرد. صدای خانمی از آن سو آگام کرد که دکتر حسین عظیمی می خواهد با من صحبت کند. گرچه او را به نام می شناختم و اینجا و آن جا چند گفت و گو و مقاله از او خوانده بودم اما با او آشنایی رویارویی نداشتم و او را هرگز ندیده بودم جالب آن که خواندن همان چند مصاحبه و مقاله سبب شده بود که نامش به روشنی در ذهنم بماند.

- و این تصور که او از جنس دیگری است نقش بسته بود برایم از برنامه هایش در مرکز آموزش سازمان برنامه و بودجه نقل کرد و از این که آرزومند تربیت نسلی از کارشناسان است که ضمن داشتن درد توسعه مملکت عمیق فکر کنند و از تخصص ازم در حیطه خاص و محدودی برخوردار باشند.



حسین عظیمی

• علت تلفن کردن خود را ارائه سلسه دروس آزاد برای علاقه مندان عنوان کرد و تاکید بر این امر که تصمیم دارند تا درس برنامه ریزی پیشرفته را برای مدیران و کارشناسان بخش های عمومی و خصوصی ارائه کنند و مایل است که تدریس آنان را بر عهده گیرم تصور کردم که از حال و روزم باخبر نیست ، از این رو برایش توضیح دادم، حرف مرا برید و متوجه شدم که از همه چیز باخبر است. پذیرفتم و در اولین فرصت به دیدارش رفتم آن کلاس باعث آشنایی من با مدیران و کارشناسان ارشد بسیاری شد که تا به امروز ادامه دارد و در مورد شماری به دوستی پایداری تبدیل شده است.

• از آن زمان گاه و بیگاه ملاقاتی دست می داد تا بیماری لعنتی او فرا رسید پس از معالجه در خارج دوباره او را دیدم با همان اشتیاق همیشگی از برنامه هایش یاد می کرد. شبی هم در زاهدان هم اتاقی شدیم و تا پاسی از شب گپ و گفت و گویی داشتیم. دغدغه همیشگی اش توسعه سرزمینی بود که چراغمان در آن می سود. خوشحال بودم که معالجه ثمر داده تا آن که مسئولیت موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی را قبول کرد. باز هم روزی این بار در زمستانی تلفن زده مایل است سر راه به موسسه دنبالم بیاید و با هم به موسسه برویم که با اشتیاق پذیرفتم در راه پیشنهاد کرد مسئولیتی را بر عهده گیرم که پذیرفتم اما قول دادم که اگر کاری از من بر می آید دریغ نکنم ساعتی در دفتر کارش باز هم از دغدغه هایش یاد کرد و از ضرورت چالش های اقتصاد ایران سخن گفت

• در نظر داشت که شناخت چالش‌ها مبنای تدوین بود چه شود و به تدریج نگاه بخشی و غلبه بودجه نویسی و برنامه ریزی جای خود را به جامع‌نگری دهد از همایشی یاد کرد که شاید آخرین کار او بود تا این که با خبر شدم در بیمارستان است و با وجود درک این امر که به پایان راهش رسیده روی تخت نیز پیگیر مسائل کاری موسسه است و حتی از کارهای کوچک باقی مانده یاد می‌کند و سپس خبر تلخ مرگ نابهنگام و بزرگمردی بود، مردانه زیست و مردانه مرد، این است پایان کار مردان. گرچه آشنایی من با دکتر حسین عظیمی محدود بود، اما عناصری از انسان بودن را هر بار در او می‌یافتم که غنیمتی بزرگ است اجازه دهید به مطلبی هر چند گذرا اشاره کنم که دغدغه دکتر حسین عظیمی نیز بود. باشد که روزی توسعه انسان مدار و طبیعت دوست این سرزمین گرانقدر را شاهد باشیم.

• موضوع اصلی بحث حاضر که گذرا طرح خواهد شد مسئله غلبه نگاه سخت افزارانه به توسعه است که سبب شرطی شدن مردم عادی کوی و برزن یعنی مصرف کنندگان طرح های توسعه سخت افزاری شده است. در این رابطه به توسعه اجتماع محور و مشارکتی نیز اشاره ای خواهد شد.

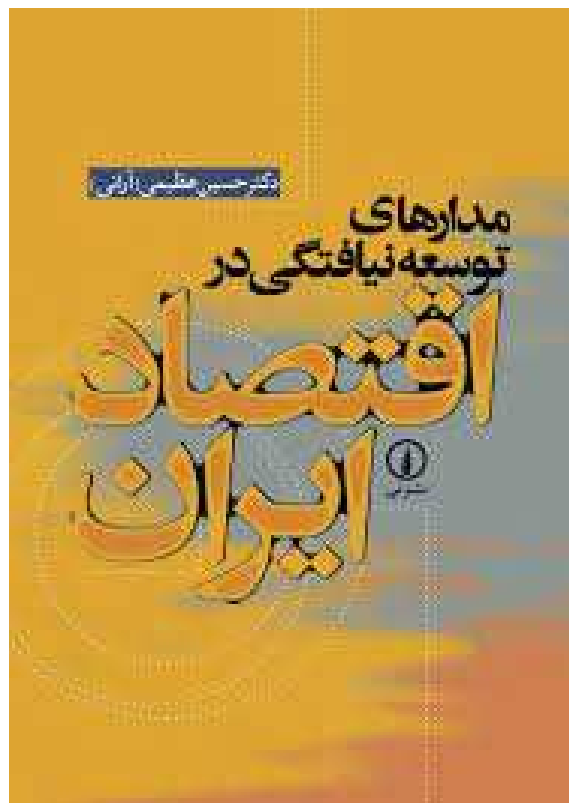
**مصرف کنندگان طرح های
توسعه سخت افزاری**

- نگاه سخت افزارانه که سال ها بر فرایند توسعه جهان سوم غلبه داشته نگاهی است که توسعه را به جنبه های سخت افزاری کاهش می دهد، به این دلیل نگاه یاد شده تقلیل گرایانه نیز به شمار می آید. عامیانه ترین وجه نگاه سخت افزارانه خلاصه کردن توسعه در ساختمان سازی و ایجاد و توسعه زیرساخت های فیزیکی است. پیروان این نگاه برای دهه ها بر این تصور پای فشرده اند که چنانچه زیر ساخت های فیزیکی رشدی چشمگیر به خود بیند شبکه راه ها به اقصی نقاط سرزمین ایران راه یابد. برق، تلفن، گاز در همه جا دامن بگستراند و شمار چشمگیری مدرسه و درمانگاه ساخته شود، توسعه تحقق یافته است و کشورهای عقب ماند در راه توسعه گام نهاده اند

تقلیل گرایانه

- تردیدی نیست که بدون زیرساخت های فیزیکی، توسعه تحقق نمی یابد. باید توجه کرد جنبه های سخت افزاری، وسیله ای برای توسعه و ابزاری است برای هدف دیگری که همانا توسعه است مشکل از آن جا آغاز می شود که نگاه سخت افزارانه خود به هدف تبدیل شود. در چنین شرایطی زیرساخت های فیزیکی می تواند به توسعه شکلی غیر طبیعی بخشد و به ده ها مسئله منفی دیگر جان دهد. هنگامی که نگاه سخت افزارانه هدف می شود، فساد نیز از راه می رسد.

زیرساخت های فیزیکی



- وقتی توسعه روستایی در راه های روستایی خلاصه شود، امکان مهاجرت تشدید می شود تجربه ایران به علت داشتن سرمایه لازم ناشی از فروش نفت مهم ترین تجربه در نشان دادن مسائل منفی ناشی از غلبه نگاه سخت افزارانه است به زبان دکتر حسین عظیمی نگاه سخت افزارانه می تواند به شکل گیری مدارهای توسعه نیافتگی یاری رساند،

شکل گیری مدارهای توسعه نیافتگی

• از این رو نباید در شگفت شد اگر کسی اگر کسی ادعا کند که چنانچه اقدامات به ظاهر توسعه ای انجام گرفته رخ نمی داد و با شرایط بکر اولیه رو به رو بودیم، حرکت واقعی به سمت توسعه سهل تر بود با غلبه نگاه سخت افزارانه در بین مسئولان و کارشناسان و تاکید دائمی بر آن به تدریج مصرف کنندگان پروژه های سخت افزارانه در بین مسئولان و کارشناسان و تاکید دائمی بر آن به تدریج مصرف کنندگان پروژه های سخت افزارانه نیز نگاهی سخت افزاری به کف می آورند و ب یکی از پارادوکس های توسعه مشارکت مدار و مشارکت محور جان می بخشند که درک آن اهمیتی اساسی دارد توسعه این نگاه به گروه های هدف، سبب زیان های جدی به کشور شده و توسعه واقعی را غیر ممکن می سازد.

مصرف کنندگان پروژه های سخت افزارانه

پارادوکس مشارکت محوری

- سازمان های جهانی از جمله آژانس های سازمان ملل متحد و بانک جهانی پس از سال ها تجربه منفی توسعه از بالا و غلبه نگاه سخت افزارانه به ترویج دو گرایش در منابع و متون توسعه جان بخشیدند اولین گرایش کوچک شدن حیطه توسعه در قالب توسعه ناحیه محور (Area based development) و توسعه محلی (Local Development) است. گرچه نگرشی نفی کننده توسعه منطقه ای و ملی نیست، بلکه مکمل آن به شمار می آید، به نحوی در هر لحظه رو به گسترش و پالایش دائمی است. چنین نگرشی به نوعی تداعی کننده شعاری است که دهه های پیش با عنوان کوچک زیبا است سر می دادند.



بانک جهانی

- سازمان های جهانی با گرایش به کوچک اندیشی بر پایه ضرورت ها به تدریج به مسئله محوری نیز روی آورده اند. بودجه ای محدود در گستره جغرافیایی تعریف شده و کوچک به یکی دو موضوع کلیدی و محوری اختصاص می یابد و این رمز ماجرای توسعه است در چنین حالتی پروژه ها زود بازده بوده به شکلی ملموس و مشهود در اجتماع محلی حس می شوند و در مصرف کنندگان یا ذی نفع های پروژه ها احساس مالکیت پروژه شکل می گیرد.

- دومین گرایش تاکید بر مشارکت محوری پروژه ها است. امروزه تقریبا تمامی پروژه هایی که آژانس های سازمان ملل متحد، بانک جهانی و سازمان توسعه ای گوناگون پیشنهاد و تصویب و اجرا می کنند، باید پیشنهاد گروه های هدف یا ذی نفع باشد و به شکلی عینی و مستند، مشارکتی بودن آنها ثابت شود. پارادوکس مورد اشاره دقیقا در همین رابطه شکل می گیرد.

مشارکت محوری پروژه ها

- اجازه دهید تا با مثالی بحث روشن تر شود، نگارنده سال ها است که با موسسه های توسعه ای و سازمان ملل متحد همکاری هایی داشته و دارد یکی از این تجربه ها طراحی صندوق توسعه محلی (Local Development Fund) است. در این پروژه ابتدا بر اساس مطالعات مفصلی که به تدوین خوشه های فقر استانی، شهرستانی و دهستانی انجامید، چهل نقطه روستایی اسکان غیر رسمی شهری مورد گزینش قرار گرفت.

**خوشه های فقر استانی،
شهرستانی و دهستانی**

- جالب آن که مطالعات بعدی به ویژه بررسی های جامع **مسئولان محلی صندوق توسعه محلی** در پنج استان مورد گزینش یعنی همدان، خوزستان، تهران، خراسان رضوی و خراسان جنوبی به استثنای دو یا سه تغییر، نقاط برگزیده دیگر را تایید کرد قرار بر این بود که پس از نهایی شدن نقاط انتخابی برای اجرای صندوق توسعه محلی، گروه های مطالعاتی با استفاده از فنون کمی و کیفی، پیشنهاد های واقعی اهالی را ثبت و گزارش کند تا دستگاه های اجرایی و مطالعاتی صرفاً به عنوان تسهیل گر، گروه های هدف را یاری کنند تا پروژه هایی که خود انتخاب کرده اند را خود به اجرا درآوردند و بر فرایند اجرا نظارت کرده آن را ارزیابی کنند.

**همدان، خوزستان، تهران، خراسان
رضوی و خراسان جنوبی**

• تردیدی نیست که قبولاندن این امر که سایر کنشگران یعنی دستگاه های دولتی به مشاوران و ...تنها تسهیل گرند و گروه های هدف یعنی مردم استفاده کننده از طرح ها، خود باید انتخاب کننده پروژه ها، اجرا کننده، نظارت کننده و ارزیابی کننده باشند و در طول پروژه باید برای چنین مراحل توانمند و مقتدر شوند کاری کارستان است و در جامعه ای که دره ای هولناک بین حرف و عمل وجود دارد، ظاهرا همه این امر را نپذیرفته در عمل به شیوه قبلی مستبدانه عمل می کنند

**انتخاب کننده پروژه ها، اجرا کننده،
نظارت کننده و ارزیابی کننده**

• اما در جریان مطالعات اولیه به پارادوکسی برخورد شد که ناشی از غلبه نگاه سخت افزارانه بر توسعه بود. مشاهده شد که مردم یا گروه های هدف بدون توجه به نیاز محدود خود و بدون فکر و تامل کافی فوراً پروژه های سخت افزاری ساده ای چون مدرسه و کلینیک بهداشتی را انتخاب می کنند. ما در صندوق توسعه محلی در مراحل اولیه و نیاز سنجی با این مسئله رو به رو شدیم و دیگران نیز در سایر پروژه ها از جمله بهسازی بافت های اجتماعات اسکان غیر رسمی در مراحل نهایی انتخاب پروژه نیز با این نوع گرایش رو به رو هستند و اتفاقاً در برخی نقاط به مرحله اجرا نیز وارد شده اند.

بهسازی بافت های اجتماعات اسکان غیر رسمی

- پارادوکس اینجا است که پروژه ها واقعا طی فرایندی مشارکتی برگزیده شده اند و مردم طی جلساتی مدرسه و درمانگاه و مانند آن را اعلام داشته اند اما از سوی دیگر بررسی های تکمیلی نشان می دهد که مدارس موجود در محل های انتخابی زیر ظرفیت لازم کار می کنند و در مواردی مجبور به تعطیل کردن کلاس هایی یا تجمیع آنها شده اند. از سوی دیگر وزارتخانه های آموزش و پرورش و بهداشت در بیشتر مواقع عدم تمایل خود را به احداث مدرسه و درمانگاه به دلیل عدم کشش تقاضای لازم اعلام می دارد.

فرایندی مشارکتی

- پاسخ این پارادوکس را پس از بررسی های لازم در صندوق توسعه محلی به این شکل یافتیم که مردم یا گروه های هدف در برخورد با افرادی که به نوعی به دستگاه های دولت مربوطند به طور خودکار و شرطی شده، به یاد پروژه های سخت افزاری می افتند زیرا در ته ذهن باور ندارند که فرایند واقعا مشارکتی است و یا اگر هم که باور داشته باشندف هنوز تصور می کنند که این دولتی هایی که مقابل ما نشسته اند و از ما نظر می خواهند کاری جز احداث راه و ساختمان و آسفالت ندارند و توسعه نیز همین هاست، پس به طور خودکار یکی دو نفر میدان دار شده و در پایان مدرسه و در مانگاه به نام پروژه مشارکتی ثبت می شود

- بر این اساس در صندوق توسعه محلی دائماً بر ترکیب سخت افزار و نرم افزار تاکید شده که بازهم کاملاً پاسخ گوی مشکل نبوده است. مدت ها است که در حرف همه باور کرده ایم که توسعه انسانی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، قضایی، ضد تبعیض جنسیتی، ضد ناهمگونی و نامتعادلی، ضد فقر و طرفدار عدالت اجتماعی و دوست دار طبیعت است توسعه همه این ها در ترکیبی همگون و هماهنگ است و مدارهای توسعه نیافتگی خواهد ماند، اما هنوز بین این باور و عمل آن بر پایه شرایط کهن تاریخی و روان شناسی اجتماعی ایرانیان دوره ای عمیق وجود دارد.

ترکیب سخت افزار و نرم افزار